

دریچه

مردان از لایحه حمایت از خانواده می گویند

انناز محمدی

طی هفته‌های گذشته همزمان با لایحه تقدیمی دولت به مجلس تحت عنوان «لایحه جامع حمایت از خانواده» بحث در این مورد میان گروه‌های مختلف اجتماعی و مردم بسیار زیاد شده است. همانطور که طی روزهای گذشته این مساله موضوع بسیاری از صفحات روزنامه‌ها شده است و بسیاری از کارشناسان و فعالان حقوق زنان در کشور به این لایحه، مخصوصاً ماده ۲۳ آن که ازدواج مجدد مردان را با شرط اجازه گرفتن از دادگاه و تمکن مالی مجاز می‌شمرد، اعتراض کرده‌اند میان مردم هم این بحث بالاگرفته است. به همین منظر به سراغ چند تن از مردانی که در دادگاه خانواده بودند و هر یک دارای یک مشکل، رفتم تا نظر آنها را در مورد این لایحه جویا شوم.

اولین نفر مرد جوانی به نام «علی ع.» است که روی پله‌های دادگاه نشسته و سرش را پایین انداخته است. وقتی از او می‌پرسم دلیل مراجعه‌اش به دادگاه چیست می‌گوید به خاطر مشکل یکی از دوستانم به اینجا آمده‌ام، از او در مورد لایحه حمایت از خانواده پرسیدم و او این گونه پاسخ داد: «من صددرصد با این موضوع مخالفم، من خودم متاهل هستم و هیچ‌گاه اگر قانونی هم این اجازه را به من بدهد دست به چنین کاری نمی‌زنم، چون در جامعه امروز و مشکلات فراوانی که وجود دارد مردان برای تامین یک زندگی معمولی دچار مشکلات بسیاریند چه برسد به اینکه بخواهند زندگی دومی تشکیل بدهند.» از او می‌پرسم که اگر در زندگی خودش مشکل حادی پیش بیاید و همسرش تامينش نکند، روی به ازدواج دوم می‌آورد یا نه، و او چنین ادامه می‌دهد که: «خبر من ترجیح می‌دهم همسر اول را بگذارم بدهم و بعد به سمت ازدواج دوم بروم زیرا این مساله یک چیز ثابت شده است که اگر مشکل خاصی هم در زندگی زناشویی وجود نداشته باشد و مرد ازدواج مجدد نکند، زندگی اول، خود به خود منثلاشی می‌شود. به نظر من این لایحه بیشتر از اینکه از خانواده حمایت بکند آن را متزلزل می‌کند.» اگر راهر‌های دادگاه خانواده را کمی بالا و پایین کنیم، می‌توانیم زنان و مردانی را پیدا کنیم که به خاطر ازدواج مجدد مرد و درخواست زن برای طلاق به دادگاه آمده‌اند. یکی از این مردان را به طور اتفاقی در دادگاه خانواده پیدا کردم و با او در این مورد صحبت کردم. او که «حسین م.» نام داشت و ۴۰ ساله بود در مورد مشکل خودش چنین گفت: «من با اینکه چندین سال است ازدواج کرده‌ام و سه فرزند دارم ولی چون از زندگی اولم راضی نبودم رو به ازدواج موقت آوردم و الا آن هم برای طلاق دادن زن اولم مشکلی ندارم چون از طرف دیگری تامین می‌شوم.» وقتی در مورد این لایحه از او پرسیدم می‌گوید پاسخ داد: «به نظر من این گونه قوانین بد نیست چرا که بسیاریند مردانی که در زندگی مشکل دارند و از نظر روحی از طرف همسرشان تامین نمی‌شوند و باید روی به ازدواج مجدد بیاورند.» هنگامی که به او گفتمتیم راه ازدواج موقت که برای مردان باز است و آیا دلیلی دارد که حق ازدواج دائم مجدد بدون اجازه همسر اول هم به طور قانونی به آنها داده شود پاسخی نداشت که بدهد، سرش را پایین انداخت و گفت: «نمی‌دانم، شاید نباید چنین چیزی باشد. ولی من از حقم استفاده کردم و کاری ندارم که به چه کسی ضرر می‌رسد، چون اول خودم را دوست دارم بعد دیگری!»

در کنار همه موضوع‌هایی که تا به حال مطرح شده است باید این نکته را افزود که در جامعه امروزی ایران شرایط ازدواج برای جوانان بسیار سخت و طاقت‌فرسا است، وقتی از دختران جوان در این مورد پرسیم می‌گویند که زندگی‌مان را آطور که می‌خواهیم ادامه نمی‌دهیم و با مشکلات زیادی روبه‌رو هستیم چرا که در بسیاری اوقات حق انتخاب از ما سلب می‌شود و نمی‌توانیم آطور که دلمان می‌خواهد زندگی‌مان را پیش ببریم، در مقابل پسران جوان مشکل مسکن و مهریه و . . . از جزه مسائل اصلی می‌دانند و می‌گویند پای منجراج زندگی برنی‌آیند، پس ترجیح می‌دهند ازدواج نکنند. در این مورد از پسر و دختر جوانی که در شرف ازدواج بودند و روی صندلی‌های دادگاه نشسته بودند و انگار برای مشاوره آمده بودند پرسیدیم و آنها با چهویی خندان جواب دادند: «سه راه ازدواج همه مشکلات بسیاری هست، ما هم از این نوع مشکلات داشته‌ایم و با آنها کنار آمده‌ایم.» وقتی از مرد جوان در مورد اقدام دولت جهت به تصویب رساندن لایحه حمایت از خانواده پرسیدیم، ادامه داد: «اگر مسائل دینی را هم بررسی کنیم متوجه می‌شویم که دین به ما گفته اگر مردی می‌خواهد ازدواج کند باید اجازه همسر اول باشد، کسانی که این لایحه را ارائه کرده‌اند، انگار این مسائل را در نظر نگرفته‌اند.» او در این مورد افزود: «بسیاری افراد هستند که وسوجو هستند از طریق ازدواج‌های مجدد می‌خواهند به اهداف شوم‌شان برسند و تصویب کردن چنین لایحه‌هایی به رسیدن هر چه زودتر آنان به اهداف‌شان کمک می‌کند. اگر اینطور باشد که هر کس که بپولدار است باید برود زن دوم بگیرد! خیلی اوقات هست قانون هم یک اجازه را به فردی می‌دهد ولی این خود انسان است که نمی‌تواند کاری را که خلاف وجدان و حقوق فردی است انجام بدهد.» او با لحنی جدی به ما گفت که صددرصد با این موضوع مخالفم و هیچ‌گاه به خود اجازه چنین کاری رانی‌دهم.» اما در مقابل «سعید.» ۳۵ ساله به ما گفت که چنین قانونی خوب است، وقتی دلش را از او پرسیدیم گفت: «در جامعه امروزی خانم‌ها هنوز جایگاه خودشان را در خانواده تعریف نکرده‌اند، آنها هم اختیارات جامعه غریب را می‌خواهند و هم مناسبات جامعه سنتی را که یک وجه آن مهریه است.» او ادامه داد: «الاآن بیشتر مشکلات طلاق‌ها بر سر موضوع مهریه است، خانم‌ها چون احساساتی هستند تحت‌تاثیر گفته‌های دیگران قرار می‌گیرند و مهریشان را طلب می‌کنند، مرد هم نمی‌تواند پرداخت کند و در نتیجه زندگی منثلاشی می‌شود.» او صحبتش را چنین ادامه می‌دهد: «خانمی که به دادگاه‌رفت و مهریه‌اش را به اجرا گذاشت دیگر به درد زندگی نمی‌خورد و مرد حق دارد که ازدواج مجدد بکند، از زن خوب باشد مرد به دنبال زنان دیگر نمی‌رود حتی اگر قانون هم به مرد اجازه داده باشد.»

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی مدیر مسوول مجله **نافه** سال‌هاست به عنوان **پژوهشگر** به مسائل حوزه زنان نیز می‌پردازد. او معتقد است حقوق برابر و عادلانه زن در طول تاریخ حاکمیت نظام مردسالار از او دریغ شده و زن با ازدواج جزء مایملک مرد تلقی می‌شود. با او درباره تغییرات مفهوم ازدواج و مشکلات فراروی آن گفت‌وگو کردیم.

مفهوم ازدواج در جامعه کنونی دستخوش برخی تغییرات است، این تغییرات چه سمت و سوی داشته و محصول چه شرایطی بوده است؟

ما می‌دانیم در جهان، اساساً هر پدیده و هر انگاره‌یی در چارچوب وضعیت ویژه منطقه جغرافیایی و مقطع تاریخی و شرایط اسطوره‌یی، تاریخی، اجتماعی، جامعه‌یی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، هنری و . . . خودش شکل گرفته و تعریف شده است.

بنابراین با تغییر هر یک از این مولفه‌ها، بی‌شک مفاهیمی که در زیرمجموعه این مولفه‌ها قرار دارند، که می‌توانند شامل هر پدیده یا انگاره‌یی از جمله ازدواج بشود، تغییر می‌کند. مسلم است که در صورت تغییر اشکال آن مولفه در جامعه، بدون شک شکل‌های آن که در مقوله ازدواج بیشتر مراسم، مناسک و آداب و رسوم و نحوه اجرای آن مفهوم می‌شود نیز تغییر پیدا خواهد کرد.

حال با این فرضیات، ازدواج در عین مساله‌یی اجتماعی بودن و پیروی از قوانین مصوب در اجتماع، امری کاملاً خصوصی، شخصی و فردی است، مشروط بر این که بپذیریم هر شخص انسانی، یک فرد است که فردیت، شخصیت، دانش، تجربه و آمال و آرزوها و خواسته‌های کاملاً خصوصی و شخصی خود را نه تنها به دست آورده بلکه حق استفاده بهینه انسانی از آن را هم دارد اگرچه حتی بخش عظیمی از آن آمال و خواسته‌ها ممکن است در شرایط اجتماعی جامعه‌اش به دلیل تابو بودن یا به دلیل سنت‌های قدیمی قابل انجام نباشد.

ازدواج حتی اگر بر همین فرض، یعنی زندگی مشترک دو انسان ماده و نر و در پی آن فرزند داشتن و ادامه نسل تعریف شود، باز هم مساله‌یی شخصی، عاطفی و فردی است که هرچند روشنفکر و جامعه مدنی، ناگزیر و ملزم به اطاعت و اجرای بخش‌های مصوبه قانونی و اجتماعی آن است، حتی اگر به آن قوانین و مصوبات باورمند و پایبند نباشد. در جامعه‌های شرقی و مسلمان و با حضور و وجود قانون‌های مدنی، دیگر امر آزادانه و با تمایل و تراضی طرفین و بدون لحاظ کردن و دل‌سپردن به قوانین مدنی شهروندی انجام نمی‌گیرد. درحالی که امروزه در اروپا دو نفر با میل و علاقه خویش سال‌های فراوان، حتی حدود ۳۰ سال، با هم زندگی می‌کنند بی‌آنکه به کلیسارفته یا در مراجع قانونی ازدواج‌شان را تثبیت کرده باشند، که مسلماً ناگزیر از پرداخت هزینه‌های پیامدهای مادی و شهروندی این عدم توافق، که بعضاً مسائل اقتصادی و ارثی و مالی خود و فرزندان‌شان است، می‌شوند.

من به عنوان زنی فعال در این حوزه و باورمند به بازگرداندن حقوق برابر و عادلانه زن به او که در طول تاریخ حاکمیت نظام مرد– پدرسالارانه از او دریغ شده است، ازدواج را محصول مجموع تعاملات و ارتباطات عشقی، عاطفی، روحی، جسمی و جنسی دو انسان ماده و نری می‌دانم که بی‌هیچ چشمداشت سودبرنده و منفعت‌جوییند و مصلحت‌اندیش، هر یک دیگری را، آگاهانه و با نیت «عشق» و دوست داشتن که «شدن» انسانی هر دو را در کنار هم رقم می‌زند انتخاب کرده است.

بدیهی است در این انتخاب دوسویه و آگاهانه

نگزارش اجتماعی



دگرگونی ارزش‌های جامعه ازدواج را با وضعیتی بحرانی مواجه کرده است

گفت‌وگو با دکتر ناهید توسلی پژوهشگر مسائل زنان و مدیرمسوول مجله «نافه»

ترویج صیغه، مانعی برای ازدواج جوانان

زهره بیگی

با توجه به توضیحات بالا و اشاراتی که به گرایش جوانان نسبت به ازدواج موقت کردم، ازدواج موقت، به این گونه‌اش، راه مشروعی برای فرار پسران و مردان جوان از ازدواج، و موجب تجرد آنان می‌شود، در حالی که دختران امکان چنین رهایی از مشکلات جسمی – جنسی خویش را ندارند.

علاوه بر این گزینه، تجرد در جامعه امروز ایران به‌ویژه در این بیست سی سال اخیر، معلول و محصول دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی، سنتی، سیاسی جامعه در حال گذار ایران است که گرچه در قرن ۲۱ از هزاره سوم و در دوران اطلاعات وسیع می‌زید ولی هنوز هم، در عین زندگی در این جهان مدرن و استفاده ناگزیر از ابزارها و از فرهنگ آن، در یک زندگی و جهان بسیار پیچیده و بسته سنتی، اساطیری، تابویی، ایمانی و اخلاقی دوران قبیله‌یی محصور است.

دیگر علت تجرد، شرایط «بحران اقتصادی» جامعه است که پس از انقلاب و پس از جنگ مانند بسیاری مقوله‌های دیگر دچار دگرگونی شده است. با توجه به این‌که همین بحران در این منطقه جغرافیایی و در این مقطع تاریخی شکل ویژه و متفاوت خودش را دارد که مشابه آن را در هیچ کنجای جهان نمی‌توانیم پیدا کنیم.

این وضعیت اقتصادی، که وضعیت فرهنگی ویژه خود را نیز موجب شده است، یکی از مهمترین، اصلی ترین و بنیادی ترین عوامل عدم امکان زیستن مشترک طبیعی دختر و پسر در جامعه ما شده است. از یک سو، آزادی و بی‌بندوباری و لاابالی‌گری‌های فرهنگی بسیاری از آن سوی جهان خود را تحمیل جوانان این جامعه کرده است و از دیگر سو باورمندی به حوز ههایی از سنت‌ها جوانان از ازدواج سر باز می‌زنند. ریشه ازدواج نیکردن یا ازدواج‌های دیگر در وضعیت نابسامان اقتصادی، بیکاری و بسیار مهمتر از همه، گم شدن پدیده‌های گوه‌ربار زنان را کجا باید پیدا کرد؟ یکی از مهمترین و بزرگ‌ترین مشکلاتی که از دوران پندس‌لاری به این سو نصیب زن شد «افتاداری»، «وفاداری»، «رعایت حق دیگران»، «راستگویی»، «شفافیت» و . . گم شدن بسیاری دیگر از این ارزش‌های والای انسانی – که زمان نابذیر و امکان پذیر نیستند در میان دختران و پسران و خانواده آنها و در آخر، از همه بدیع‌تر! اعلام راهکاری به نام «ازدواج موقت»، بدون توجه به مهمترین مساله تابویی جوامع دینی – سنتی شرقی مانند ایران، یعنی «دوشیزگی».

یعنی شما ازدواج موقت را از مهمترین موانع ازدواج دائم می‌دانید؟

به طور کلی دوشیزگان که موفق به ازدواج دائم نمی‌شوند و زنان مطلقه یا همسر از دست‌داده فرصت این چنین ازدواجی را راحت‌تر و بی‌دردسترتر پیدا می‌کنند چون بیشتر به درد اطفای غرایشان می‌خورد. بدیهی است در روند همین نوع «ازدواج موقت» مردان مجرد، به دلیل بهره‌گیری جنسی، جسمی و اطفای غرایز خود و راحتی خیال از ارتباط مشروع با زنانی که حتی همسن مادران‌شان هستند و از قبل آنان شاید بهره‌های اجتماعی نیز نصیب‌شان شود، دیگر از دردسرهای مادی و غیرمادی ازدواج طبیعی و دائم آسوده می‌شوند. اینجا باز هم مردان هستند که از زنان بهره‌های بنیان خانواده‌ی خود را زیباترین پدیده یک جامعه سالم است می‌شود.

آن زنان هم چه به حوزه مقدس زن – مادرانه خود باور داشته باشند چه نداشته باشند، ناآگاهانه و شاید بعضاً آگاهانه، موجب ازدواج نکردن طبیعی و رسمی دختران که از همجنسان خودشان هستند و نیز جوانانی می‌شوند که به آنان روی می‌آورند. این امر بدلوا موجب فروپاشی بنیان خانواده‌ی خود را زیباترین پدیده یک جامعه سالم است می‌شود.

در جامعه ایرانی ما هم همین دلایل صدق می‌کند؟

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

دکتر ناهید توسلی

یادداشت

شروط ضمن عقد را فراموش نکنید

مریم حسین‌خواه

ازدواج یک قرارداد است که حقوق و تکالیفی را بر دوش مرد و زن قرار می‌دهد، اما رسوم حاکم بر جامعه باعث شده ما کمتر به این مساله توجه کنیم. همه اوایل ازدواج توجه‌شان به حاشیه‌های ازدواج است؛ خواستگاری و مراسم عروسی، جهیزیه و . . . هیچ‌کس توجه نمی‌کند که پای یک قرارداد و عقد را دارند امضا می‌کنند و باید ببینند این قرارداد چه تعهداتی را بر دوش‌شان می‌گذارد.

متأسفانه در کشور ما بیشتر مردم عادت دارند نخوانده پای قراردادها را امضا کنند، این مساله در ازدواج بیشتر هم اتفاق می‌افتد و بیشتر اوقات دختر و پسری که می‌روند برای ازدواج همان موقع که سند ازدواج‌شان می‌خواهد امضا شود سند نکاحه را که شرایط در آن نوشته شده برای اولین بار می‌بینند و امضا می‌کنند و آن موقع هم زیاد از مفاد سند ازدواج سر در نمی‌آورند، چون از طرفی اصطلاحات فنی و حقوقی است و از طرف دیگر آن موقع دو طرف در حال و هوای دیگری هستند و هر دو طرف مقابل را فرشته می‌بینند و اصلاً فکر این را نمی‌کنند که ممکن است اتفاقی بیفتد و همین جوری بندها را پشت سر هم امضا می‌کنند. برخی نیز که آگاه به موضوع هستند هم (که معمولاً این آگاهی از طرف مردها است) افرادی‌اند

که یک تجربه ازدواجی داشته‌اند یا اینکه در خانواده‌شان به خاطر این بندها مشکلی پیش آمده و حالا حواس‌شان هست که امضا نکنند یا نکنند. ولی عموماً همه زیر این بندها را امضا می‌کنند و وقتی مشکلات کم‌کم خودشان را نشان می‌دهند تازه آن موقع است که می‌فهمند با ازدواج یکسری مسوولیت‌هایی در قبال هم داشته‌اند و قانونگذار اینها را به آنها تکلیف کرده است، حالا چه عادلانه و چه غیرعادلانه. این اختیارات وسیع آقایان و حقوق کم خانم‌ها، هرچه هست قانونگذار اینها را قرار داده و طرفی هم که اینها به نفعش هست به بهترین وجه از آن استفاده می‌کند. عقد ازدواج از جمله عقدهای معین و لازم در قانون مدنی است و به خاطر اینکه این عقد ارتباط با خانواده و تولد فرزند دارد قانونگذار حمایت‌های خاص و شرایط خاصی را برای طرفینش قرار داده است. در این عقد لازم معین، ایجاب‌کننده زن است، یعنی زن اعلام می‌کند که من می‌خواهم ازدواج کنم و مرد قبول‌کننده است ولی در جامعه ما ایجاب معمولاً به خواستگاری می‌رود فکر می‌کنیم که ایجاب‌کننده مرد است.

بر اساس قوانین مدنی ایران این حقوق و تکالیف به صورت برابر بین زن و شوهر تقسیم نمی‌شود و در واقع زن به موجب عقد ازدواج بسیاری از حقوق مدنی و معنوی خود همچون حق سفر، اشتغال، انتخاب مسکن، ولایت بر فرزندان و جدایی از همسر را از دست می‌دهد در قبال آن حقوق مادی همچون مهریه و نفقه را به دست می‌آورد که در بسیاری از موارد دستیابی به این حقوق مادی هم با مشکل همراه است، برای رفع این نابرابری و برای اینکه یک تعادلی بین این حقوق و تکالیف برقرار شود می‌توانیم از شروط ضمن عقد استفاده کنیم، یعنی زن و شوهر یک سری مسائل مورد توافق خودشان را که قانون در مورد آنها حکم خاصی نکرده در آن زمینه مورد پذیرش آنها نیست ولی مطابق خود قانون توافق خلاف آن هم ممکن است، در سند ازدواج به عنوان شروط ضمن عقد ثبت کنند. با همه اینها شروط ضمن عقد اما هنوز در جامعه ما رایج نشده‌اند و حتی بسیاری از افراد تحصیلكرده هم از این استفاده نمی‌کنند چون متأسفانه اولاً همه جامعه این از شروط آگاه نیستند و اینکه مدتی که چنین شرطی را می‌توانند بگذارند، دوماً هم اینکه وقتی ما می‌گوییم از این شروط استفاده کنید بسیاری می‌گویند ما اول زندگی بیاییم و شرط بگذاریم، اصلاً زندگی که با شرط و شروط باشد بهتر است که شروع نشود. در حالی که همین افراد اگر مرد بودند عقدنامه را بخوانند می‌بینند هر ۱۲ موردی که زن و پسر در عقد پایش را امضا می‌کنند شروطی است که مرد به زن وکالت می‌دهد و اثبات آن شرایط برای طلاق وکالت داشته باشد، یعنی ما آن ۱۲ مورد را برای ازدواج امضا نمی‌کنیم برای طلاق امضا می‌کنیم. پس ما این همه شرط و شروط می‌گذاریم چه فرقی می‌کند که چند بند دیگر هم اضافه کنیم، طلاق، تقسیم دارایی‌های مشترک در هنگام جدایی و حضانت فرزندان است.باید در هنگام عقد نکاح در دفترخانه ثبت اسناد رسمی در قباله ازدواج ثبت شود. این شروط باید با عبارات حقوقی معینی در عقدنامه نوشته شود و در صورت ذکر نشدن برخی عبارات خاص حقوقی از حیث اعتبار خارج است و نمی‌توان به آنها استناد کرد.

۱– زوج به زوجه وکالت بلاعزل با حق توکیل به غیر می‌دهد تا زوج در هر زمانی که بخواهد از جانب زوج اقدام به متارکه کرده و از قید زوجیت خود رها کند، به هر طریق اعم از اخذ یا باطل مهریه.

۲– زوجه اجازه دارد از ما اکنون هرگاه خواست به خارج کشور برود و نیاز به اجازه مجدد زوج ندارد، چه‌رای اخذ یا تعدیل یا تجدید گرزنامه و این اجازه دائمی است.

۳– زوج حق ادامه تحصیل تا هر مرحله‌یی که لازم بداند و در هر مکان و محلی که ایجاب کند مخیر است.

۴– زوج، زوجه را در انتخاب هر شغلی که مایل باشد و هر کجا که بتواند کار کند، مخیر می‌کند و اجازه می‌دهد که مشغول به کار شود.

۵– زوج و زوجه متعهد می‌شوند هنگام جدایی اعم از اینکه متارکه به درخواست مرد باشد یا در درخواست زن کلیه دارایی که بعد از ازدواج دائم زوجین به دست می‌آورد بین آنها به مناصف تقسیم شود.

۶– حق انتخاب مسکن و تعیین شهر یا محلی که زندگی مشترک در آنجا ادامه پیدا کند با زوجه خواهد بود.

۷– اگر در آینده زوجین دارای فرزند شدند و طلاق اتفاق افتاد حضانت فرزندان به عهده زوجه باشد و در صورت خروج از کشور نیازی به اذن پدر ندارند. با همه اینها باید به یاد داشته باشیم که شروط ضمن عقد تنها یک راهکار موقت است برای مشکل نابرابری حقوقی که زن و مرد با ازدواج به آن دچار می‌شوند، راهکار موقتی که تا بازنگاری و اصلاح قوانین خانواده می‌تواند تکه ترازوی ازدواج را برای زن و مرد برابر کند.